

## توسل و توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا با محوریت آیه ۳۵ سوره مائده

حسنعلی نوروزی<sup>۱</sup>

سید محمد نوراللهی<sup>۲</sup>

### چکیده

توحید اساس باورهای فرد و هسته‌ی مرکزی جهان‌بینی انسان را تشکیل می‌دهد و از این جهت مهمترین مؤلفه در هندسه معرفتی و شخص تلقی می‌گردد. بر همین مبنا اولین، مهم‌ترین و سرلوحه دعوت همه پیام‌آوران الهی همین بوده است. این اهمیت و حساسیت، موجب شده است تا مبانی، مؤلفه‌ها و چارچوب چنین اعتقادی در معرض رصد دائمی مکاتب، گروه‌های علمی و فرقه‌های مختلف قرار گرفته است. اینکه چه اعمال و رفتارهایی، انسان موحد را از توحید به شرک می‌برد و چگونه باید عمل نمود تا توحید دچار تزلزل نشود. از جمله مسائلی که در این زمینه دارای حساسیت بوده و بسیار مورد توجه قرار گرفته است، مسئله توسل می‌باشد، اینکه توسل چه هنگام شرک آلود شده و در چه هیأتی با توحید منافات نداشته بلکه تقویت باورهای توحیدگرا و خداپرستی است. معنای توحید و حقیقت آن و چیستی و چگونگی توسل و تبیین مرز این دو و هماهنگی رفتارهای توسل‌گونه با تعالیم قرآنی و روایی، مسئله‌ای است که مقاله حاضر با شیوه کتابخانه‌ای و روشی توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از منابع و ابزار کتابخانه‌ای به آن پرداخته و به ابهامات و سئوالات اساسی و مهمی در این خصوص پاسخ گفته است.

### واژگان کلیدی

قرآن، روایت، توحید، توسل، شرک، احترام، علامه‌ی طباطبایی، رشید رضا.

۱. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، گروه معارف اسلامی، ساوه، ایران.

۲. هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، گروه معارف اسلامی، ساوه، ایران.

## طرح مسأله

توسل، وسیله قرار دادن چیزی برای رسیدن به مقصود است و این معنای عام و گسترده‌ای است که همه انواع واسطه‌ها و اسباب، اعم از مادی و معنوی را در برمی‌گیرد با اندکی تأمل، به وضوح می‌توان دریافت که خدای سبحان، جهان هستی را براساس نظام اسباب و علل، ایجاد و اداره می‌کند و همه نیازمندی‌های بشر، ضابطه مند و بر طبق قوانین و سنت‌های الهی برآورده می‌شوند. چرا که اراده حکیمانه حضرت حق بر این تعلق گرفته که فیوضات الهی، اعم از رزق، عطا، فضل، توفیق، هدایت، غفران، مغفرت، و... از مجاری خاص به بشر ارزانی شود و این یک سنت همیشگی و غیر قابل تغییر، در این عالم است؛<sup>۱</sup> لذا همان گونه که در عالم ماده نمی‌توان پرسید چرا خداوند زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی‌واسطه به چنین عملی دست نزده، در عالم معنا هم، نمی‌توان گفت چرا خداوند، مغفرت و آمرزش خویش را به واسطه اولیاء الهی شامل حال بندگان می‌کند. و هیچ مانعی ندارد که لطف و عنایت الهی، از طریق توسل مردم به نفوس پاک و شایسته‌ای، شامل افراد گردد؛ چنانچه فیض هدایت‌گری خداوند، در این جهان به وسیله پیامبران الهی، به انسان‌ها می‌رسد. و جزء پیامبران آسمانی، هیچ‌کس به‌طور مستقیم مورد خطاب و امر و نهی خداوند قرار نمی‌گیرد، و همه این مسائل، منطبق بر قوانین عقلی و طبیعی و فطرت‌های پاک بشری است و اراده و عنایت حضرت حق، طرق رسیدن به کمال و قرب الهی مختلف و متنوع قرار داده که یکی از آنها توسل به اولیاء و صالحان است که در این مجال بدان می‌پردازیم.

## توسل در لغت و اصطلاح

«توسل از ماده «وسل» به معنای «تقرب جستن» به کسی است؛ و «وسیله» چیزی یا کاری است که انسان با آن به دیگری تقرب می‌جوید» (ابن منظور، ج ۱۱، ص ۷۲۴، ماده وسل) و «به معنای درخواست کردن، وسیله ساختن و نزدیکی طلبیدن است» (فرهنگ معاصر عربی

۱. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أبی الله أن یجری الأشياء إلا بأسباب فجعل لكل شیء سبباً.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۳)

فارسی، ذیل واژه وسل، ص ۷۴۸) خلیل بن احمد فراهیدی، در معنای واژه وسیله، می نویسد:

رسلت الی ربی وسیلهً اى عملت عملاً اتقرب به الیه؛ (فراهیدی، ماده «وسل»)  
«منظور از وسیله، انجام هر عملی است که موجب تقرب و نزدیکی به پروردگار شود.»  
وی در تأیید این معنا شعری نیز نقل می کند:

اری الناس لا یدرن ما قدر أمرهم بلی کلّ ذی لبّ الی الله واسل؛<sup>۱</sup>  
مردم را می بینیم که قدر کارشان را نمی دانند آری، هر صاحب خردی به خدا نزدیک است  
ابن فارس می نویسد: «در باره این کلمه (که مشترک لفظی است) دو معنای متباین  
وجود دارد.»

«معنای اول، میل و رغبت است»<sup>۲</sup> و وقتی کسی به چیزی میل و رغبت پیدا کرد،  
می گویند: وسل الیه، اسم فاعل آن «الواسل» است؛ یعنی «راغب» به خداوند عزوجل، با این  
حساب به هر چیزی که باعث میل و رغبت شود وسیله گفته می شود (معجم مقاییس اللغه،  
مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴، ج ۶، ماده «وسل») راغب در مفردات می گوید:

«یعنی وسیله تمسک به چیزی با میل و رغبت است و آن نسبت به کلمه «وصیله» اخص  
است؛ زیرا «وصیله» به معنای میل و رغبت است ولی «وصیله» قید میل و رغبت را ندارد.  
حقیقت وسیله به سوی خدا، عبارت است از مراعات کردن راه خدا با علم و عبادت و بندگی  
و پیگیری دستورات شرعی، مانند قربت و نزدیکی به خدا.» (راغب اصفهانی، ماده وسل)

ابن منظور علاوه بر معانی فوق، سه معنای دیگر، برای لغت «وصیله» ذکر می کند: مقام  
و منزلت نزد پادشاه، درجه و قرب و نزدیکی، و جمع آن «وسائل» است. (ابن منظور، ج ۱۱،  
ماده وسل) و در مصباح المنیر نیز آمده است: «وسل یسل از باب وعد یعد است و وسلت به  
معنای علاقه مند شدم و تقرب جستم است و کلمه «وصیله» مشتق از همین باب است و آن  
عبارتست از، «چیزی که به واسطه آن به شیء مورد نظر تقرب جسته شود» (الفیومی، ص ۹۰۹).

۱. این شعر که در تفسیر مجمع البیان هم آمده قول شاعر لیبید است که در بعضی نسخه ها به جای کلمه «لب»  
لغت رأی و یا «دین» آمده است.

۲. در معنای دوّم «وصیله» می گوید، این واژه به معنای «سرقت و دزدی» است که البته در مفردات راغب و  
لسان العرب نیز بدان اشاره شده است.

و در نهایت ابن اثیر، بیان شده که «وسیله در اصل چیزی است که سبب رسیدن به مطلوب و نزدیکی جستن به آن باشد. (ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۸۵) و در تفسیر مجمع البیان گفته شده «الوسیله فعلیه من قولهم توسلت الیه ای تقرّبت. (طبرسی، ج ۳، ص ۲۳۷) وسیله بر وزن فعلیه، یعنی به او نزدیکی جستم... و گفته می‌شود وسل الیه، به معنای نزدیکی جستم می‌باشد.» در تفسیر روح المعانی هم، کلمه وسیله بر وزن فعلیه به معنای ما یتوسل به، یعنی آن چه که به آن تقرّب جسته می‌شود، آمده است. (آلوسی، ج ۶، ص ۱۲۴) به هر حال با دقت در اقوال لغویان به دست می‌آید که کلمه «وسیله» لفظ عربی اصیلی است که در قرآن و سنت و در کلام عرب نیز وارد شده است و به معنای ذیل آمده است: قرب و نزدیکی به مطلوب، نزدیک شدن؛ (ابن منظور، ج ۱۱، واژه وسل فرهنگ معاصر عربی فارسی) مقام و منزلت نزد سلطان؛ (ابن منظور، معلوف، واژه وسل) واسطه و میانجی، ابزار، دست آویز، آلت، دست‌افزار؛ (فرهنگ معاصر عربی فارسی، واژه وسل) درجه، رتبه، مقام؛ (معلوف، واژه وسل) تمسک به چیزی با میل و رغبت، حيله، چاره‌جویی، تدبیر و پیش‌بینی؛ (ابن منظور، معلوف، فرهنگ معاصر عربی فارسی، راغب، ذیل ماده وسل) انجام هر عملی که باعث نزدیکی و تقرب به خدا شود که در این صورت، در مقام آلت، ابزار و وسیله توسل خواهد بود. (قیومی، ذیل ماده وسل)

در تعریف اصطلاحی توسل گفته‌اند:

«توسل یعنی این که بنده چیزی را به درگاه خداوند ببرد تا خواسته او قبول و پاسخ مثبت داده شود و به مطلوب خود نایل آید. (جوهری، ج ۵، ص ۱۸۴) هم چنین در معنای توسل گفته‌اند: توسل وسیله قرار دادن ذات و مقام اولیای الهی برای تقرب به خدا و رسیدن به حاجت است.» (جوادی آملی، ص ۵۹۶؛ خالدی، ج ۱، ص ۵۳۲ با کمی تفاوت)

و روایات فراوان و سیره مسلمانان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جریان داشته به روشنی به دست می‌آید. درباره توسل و ابعاد مختلف آن، دیدگاه‌های گوناگونی دیده می‌شود که عمده این اختلاف‌ها، از قرن هشتم به بعد با طرح دیدگاه‌های ابن تیمیه در مجامع دینی شدت گرفت. به هر حال می‌توان گفت به طور عمده دو دیدگاه کلی درباره توسل وجود دارد.

۱. بسیاری از مسلمانان، به یژه شیعیان و طرف داران مکتب اهل بیت علیهم السلام توسل به انبیاء و

اولیاء الهی را یکی از مصادیق روشن آیه شریفه «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...» (مائده: ۳۵) می‌دانند، (آلوسی، ج ۴-۶، ص ۱۱۴-۱۱۵؛ سمهودی، ج ۳، ص ۱۳۷۱؛ مکارم، ج ۴، ص ۳۶۶) زیرا مردم انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام را اشرف مخلوقات خداوند می‌دانند که با انوار مقدسه و نفوس مطهره خود به اعلی درجه کمال و رشد معنوی رسیده‌اند و نزدیک‌ترین افراد به درگاه الهی هستند که پس از مرگشان هم، در جوار رحمتش زنده و پایدارند.<sup>۱</sup> و در روایات متعددی وارد شده است که این عمل مهم‌ترین راه نجات و رستگاری و موجب قبولی طاعات و تسریع در اجابت دعاها می‌گردد. و بر همین اساس سفارش شده در تضرع و دعا و نیایش به درگاه خدا، همواره آن را با صلوات و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام قرین فرماید.<sup>۲</sup>

۲. برخی از مسلمانان، درخواست حاجت و توسل به انبیاء و اولیاء الهی را جایز ندانسته و آن را عملی بدعت‌آمیز، مشابه عمل مشرکان عرب دانسته و متوسلان به اولیاء الهی را به مشرک در عبادت و بدعت در دین متهم می‌کنند. (ابن تیمیه، ص ۸۲؛ رشید رضا، ج ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ ج ۱۱، ص ۶)

### دیدگاه صاحب المنار در باب توسل

یکی از مسائلی که صاحب المنار، با تأثیرپذیری از تفکرات سلفیان خصوصاً ابن تیمیه و وهابیت به مخالفت با آن پرداخته، موضوع توسل و بهره‌گیری از عنایات اولیاء و صالحین، برای رسیدن به قرب الهی است.

وی توسل و وسیله گرفتن اولیاء و انبیاء را شرک و همانند عمل مشرکان عرب می‌داند و می‌گوید، آنان خدایان (آلهة) را مورد عبارت خود قرار می‌دادند و امروز همان عمل با نام دیگری، به نام توسل در میان مسلمانان رواج دارد، (رشید رضا، ج ۱۱، ص ۷؛ ج ۸، ص ۱۴۷-۱۴۸) اینک به بیان دیدگاه ایشان در باب توسل می‌پردازیم.

۱. برخی از مفسران اهل سنت «وسیله» را درجه‌ای از درجات بهشت می‌دانند که مخصوص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و

اهل بیت علیهم‌السلام است. (تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۰۳۶-۱۰۳۷؛ فتح البیان، ج ۳، ص ۴۱۳)

۲. قال الصادق علیه‌السلام: «لا يزال الدعاء محجوباً حتى يصلی علی محمد و آل محمد». (اصول کافی، ج ۴، باب

الصلاة علی النبی محمد و اهل بیته علیهم‌السلام، ح ۱، ص ۲۴۷)

## معنای وسیله در لغت، قرآن و روایات

صاحب المنار در موارد متعددی از تفسیر المنار (همان، ج ۱، ص ۳۳-۳۶، ۶۰، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۵۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۴۳۳؛ ج ۲، ص ۶۷-۶۹، ۷۶-۸۹، ۳۵۳؛ ج ۳، ص ۲۳، ۴۵، ۳۳۰، ۳۴۷، ج ۴، ص ۱۱، ۱۴، ۳۱، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۷۸، ۳۱۰، ۳۳۷، ۳۳۸؛ ج ۵، ص ۸، ۱۴، ۸۳، ۱۱۱؛ ج ۶، ص ۳۶۹، ۳۷۸) به بحث درباره توسل پرداخته که در مجلد ششم ذیل آیه شریفه ۳۹ از سوره مائده به طور مشروح فصلی را به این بحث اختصاص داده است.

صاحب المنار در ذیل آیه شریفه ۳۹ از سوره مائده، با نقل سخن برخی لغویین (راغب اصفهانی و ابن منظور) به بررسی این واژه در لغت و سپس در قرآن و روایات می‌پردازد و می‌گوید: «وسیله در لغت، به معنای قرب و نزدیکی، و هر چیزی که باعث نزدیکی و قرب به چیزی گردد و یا چیزی که موجب قرب و منزلت و مقامی نزد ملک و پادشاه گردد... برای کلمه وسیله در روایات معنای دیگری هست غیر از آنچه که تاکنون در لغت گفته شد، بنابراین وسیله، در روایات اسم یک مقام و جایگاه خاصی در بهشت است (که این جایگاه و مقام از آن پیامبر اسلام ﷺ است و یکی از بالاترین منازل بهشت است) و لفظ وسیله در قرآن، عبارتست از، هر چیزی که باعث رضایت و خشنودی خداوند گردد، اعم از این که علم باشد یا عمل.» (رشید رضا، ج ۶، ص ۲۷۰؛ ج ۷، ص ۴۳، ۵۲۲، ۵۳۲، ۵۴۷، ۵۷۷؛ ج ۸، ص ۲۰، ۱۴۶، ۲۵۰، ۳۷۵، ۴۹۰؛ ج ۱۰، ص ۷۶، ۱۲۵، ۳۶۷؛ ج ۱۱، ص ۷، ۲۱۷)

صاحب المنار در ادامه بحث که فصل مستقلی را به این بحث اختصاص داده، معانی مختلف وسیله را، از نگاه متأخرین بیان می‌کند، و با نقل عباراتی از کتاب «قاعدة جلیله فی التوسل و الوسيله» از آثار ابن تیمیه به طور مشروح به این مسئله می‌پردازد؛ ایشان به نقل از ابن تیمیه می‌گوید:

«منظور از توسل و توجه کردن به پیامبر ﷺ، در کلام صحابه این است که آنها به دعا و شفاعت آن حضرت ﷺ متوسل می‌شدند. بنابراین از واژه «توسل» سه معنی فهمیده می‌شود. توسل یعنی اطاعت کردن از پیامبر ﷺ (که اصل ایمان و اسلام است) و این اطاعت بر همگان لازم و واجب است. و ایمان بدون اطاعت تمام نیست و چنین توسلی نه تنها جایز است که لازم هم است. توسل به دعا و شفاعت پیامبر ﷺ که این معنا مربوط به

زمان حیات و زندگی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می شود و هم چنین مربوط به روز قیامت است.<sup>۱</sup> این دو قسم از توسل به اجماع مسلمانان جایز و مشروع است. معنای سوم توسل عبارتست از، قسم دادن خداوند به ذات و شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که چنین توسلی جایز نیست و هیچ کدام از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طلب باران و غیر آن چنین نکردند، نه در زمان حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نه در بعد از رحلت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نه در کنار قبرش و نه غیر آن، در هیچ جای دیگر، از هیچ کدام از صحابه دیده نشده است و در دعاهای وارده نیز ردی از آن دیده نمی شود. همان گونه که عمر در توسل خود به عباس عموی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دعایش متوسل شد نه به ذات او و اگر توسل به ذات جایز بود، عمر از توسل به ذات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عدول نمی کرد.» (رشید رضا، ج ۶، ص ۳۷۲)

ابن تیمیه بعد از تقسیم توسل به سه قسم، در یکی از آثار خود می گوید:

«توسل به معنای دعای پیامبر و شفاعت او در زمان حیات ایشان، ایرادی ندارد، و روایاتی در تأیید آن وجود دارد؛ ولی توسل به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بعد از مرگ ایشان و قسم دادن خداوند به پیامبر، بدعت هست و احادیثی که در این زمینه وارد شده ضعیف بوده و قابل استناد نیست.» (ابن تیمیه، ص ۸۲ بلکه اکثر صفحات آن)

وی روایات مخالف نظر خود را توجیه و تأویل می کند، حال آن که خود تأویل احادیث را نمی پذیرفت، و درباره حدیث توسل مرد نایینا و قرائت *جملة اللهم اني اسألك و أتوجه إليك بنبي الرحمة* که در سنن ترمذی آمده است می نویسد:

«این توسل به خود پیامبر نیست، بلکه توسل به دعا و شفاعت پیامبر است، دیگر آن که در زمان حیات حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، و نه در وقت ممات.» (صائب، ص ۱۶۹-۱۷۷)

ولی علمای اهل سنت، احادیث بسیاری از کتب معتبر اهل سنت نقل کرده اند که نشان می دهد سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه، توسل به انبیاء و اولیاء گذشته بوده است که در بحث نقد و بررسی مواردی از آنها نقل می گردد.

۱. ایشان شفاعت در روز قیامت را بنا بر تفسیر سلف، به معنای دعای مستجاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معنی می کند.

و بالاخره صاحب المنار، بعد از نقل کلام ابن تیمیه، خود درباره معنای وسیله و توسل می‌گوید: «دو جمله کوتاه و جامع در این‌که؛ وسیله، چیزی است که مایه تقرب به خدا گردد و باعث امیدواری نسبت به رسیدن به رضایت و خشنودی خدا گردد؛ و توسل، اتخاذ وسیله‌ای است که بدان امر شده است و آن همان عمل کردن به امور مشروع و مجاز برای تزکیه و پاکی نفس است.» (رشید رضا، ج ۶، ص ۳۷۵)

### توسل بدعی و توسل شرعی

صاحب المنار بعد از بیان معانی مختلف توسل به نبی مکرم اسلام ﷺ، و پذیرش برخی از معانی آن،<sup>۱</sup> توسل را به دو قسم کلی تقسیم می‌نماید؛ توسل بدعی و توسل شرعی، و در تعریف توسل شرعی می‌گوید:

«و در حقیقت؛ توسل شرعی، تقرب جستن و نزدیک شدن به خداوند، به وسیله انجام دادن اعمال صالح و نیکی است که در (اسلام) تشریح گردیده است؛ نه روی آوردن به اعمال بدعت‌آمیز و تقلید کردن و پیروی نمودن (از اعمال شرک‌آلودی که در میان اهل کتاب و مشرکان عرب رسوم بود).»<sup>۲</sup>

ایشان در موارد متعددی از تفسیر المنار، به ذکر نمونه‌هایی از توسل بدعی می‌پردازد که در ادامه با حکم کردن به همانندی عمل برخی مسلمانان (در اخذ به توسل و...) با مشرکان عرب و اهل کتاب، عمل مسلمانان را تقیح و شرک‌آلود و کفرآمیز می‌شمارد و در تذکری همگان را به هدایت‌پذیری از هدایت قرآن دعوت می‌نماید. (رشید رضا، ج ۳، ص ۴۵ و ج ۱۱، ص ۷)

---

۱. ایشان دو معنی از معنای توسل را می‌پذیرد، یکی توسلی که آن را اصل ایمان و اسلام می‌داند که آن توسل به ایمان و اعتقاد به رسول گرامی اسلام ﷺ و اطاعت اوست و دیگری، توسل به دعای آن حضرت در زمان حیات و زندگی‌شان. (المنار، ج ۶، ص ۳۷۲)

۲. «و أما التوسل الشرعی التقرب الی الله تعالی بما شرعه من الاعمال الصالحة، لا بالأهواء المبتدعة و لا بالتقالید المتبعة». (المنار، ج ۱۱، ص ۷)



### همگونی توسل و شرک! (تشبیه عمل مسلمانان با عمل مشرکان!)

صاحب المنار ضمن یکی خواندن عمل مسلمانان و مشرکان و کافران در تفسیر آیه شریفه ۹۶ از سوره توبه می گوید:

«لازم است به یک عمل جاهلانه بسیار زشتی اشاره کنم و آن این که، بعد از گفت و گوهایی که با برخی از طلبه‌ها و دانش پژوهان علوم دینی داشتم، متوجه شدم که رفتارشان مخالف به این آیه (سوره توبه آیه ۹۶) و آیات مشابه دیگر است و آن این که این افراد گمان می کنند، آن چه را که قرآن، از اعمال شرک آمیز و کفرآلودی از مشرکان و کافران خرده گرفته و تقبیح می کند، (مثل درخواست و دعا از غیر خدا و اتخاذ اولیاء غیر خدا و...) مخصوص آنان است در حالی که همین افعال و اعمال از برخی مسلمانان نیز انجام می شود، روشن است که بین مشرکان و مسلمانان تفاوت روشنی وجود دارد... نادانی و جهل این گروه (مسلمانان) در این است که نمی دانند حکم شرک و کفر به اختلاف متعلق آن، یکی است (و اختلاف متعلق تغییری در حکم به شرک و کفر ندارد)، پس هر کس همراه خداوند، بتی یا ستاره‌ای را بخواند مانند کسی است که پیامبر یا فرشته‌ای را بخواند... و اما شما درباره این دو گروه از جاهلان و پیروان آنان چه می گوید؟ آنانی که با استغاثه و خواندن از انبیاء و صالحین و با توسل و شفاعت خواهی از آنان از شرک و اهل آن دفاع می کنند و گروهی از مسلمان نیز که با تبعیت از قبور صالحین، و سنت‌شان در پیروی از شرک، همانند مشرکان از اهل کتاب است تفات دارند؟ فرق دیگر عمل مشرکانه مسلمانان با مشرکان سابق از اهل کتاب در این است که مشرکان گذشته انبیاء، اولیاء و بت‌های خودشان را به عنوان «آله» و ارباب اتخاذ می کردند و مسلمانان آنان را «آله» و ارباب نمی خوانند ولی در عمل با دعا و درخواست از اولیاء و استغاثه از آنها در سختی‌ها، و واسطه قراردادن آنان، همان عمل مشرکان سابق را انجام می دهند و (در حقیقت اعتقاد به خالقیت آنها دارند.) و سرانجام صاحب المنار با نفی توسل، بر توحید عبادی و اهمیت ویژه آن تأکید می نماید.» (رشید رضا، ج ۱۱، ص ۶)

ایشان در نفی توسل می گوید:

«هر کس در عبادت خود به دیگری توجه کند با اعتقاد به این که آنان واسطه تقرب به

خدایند و اعتقاد به شفاعت آنان نزد خدا، داشته باشند، در حقیقت آنها را عبادت کرده‌اند.<sup>۱</sup> صاحب المنار، توّسل و وسیله گرفتن انبیاء و اولیاء را عملی شرک‌آمیز همانند عمل مشرکین عرب می‌شمارد و می‌گوید:

«هیچ تفاوتی میان رفتار دو گروه (مشرکان عرب و مسلمان متوسل) وجود ندارد، مگر در نام‌گذاری، زیرا مشرکان عرب هرگز بت‌های خودشان را به نام ربّ و پروردگار نمی‌خواندند، بلکه معتقد بودند که پروردگار و خالق هر دو جهان «الله» است و لکن آنان بت‌های خود را بنام «آلهه» (خدایان) می‌خواندند و کلمه «اله» در فرهنگ آنان به معنای معبود بود و معبود هم به معنای کسی که بدان توجّه و (توسّل) می‌شود. و از آنجایی که خودشان به طور طبیعی قادر به انجام خواسته‌هایشان نبودند به آنها (آلهه) توجه می‌کردند. چرا که به اعتقاد آنان خدایان قادر برای جلب منفعت و یا دفع ضرر هستند، حالا یا قدرتشان ذاتی است مثل قدرت الله و خدای خالق و یا به شفاعت و واسطه شدن قادر به انجام امورشان هستند.» (همان، ج ۱۱، ص ۷)

ایشان در ادامه می‌گوید:

فتسمیة هذه العبادة لغير الله توسلاً في عرف بعض الناس لا يخرجها عن حقيقتها... (همان)

نام‌گذاری چنین ارتباط و توجّهی را برای غیر خداوند (اولیاء) به عنوان توسل در فرهنگ برخی مردم، آن را از معنای حقیقی خود که (عبادت کردن اولیاء محسوب می‌شود) خارج نمی‌کند، بدین جهت صاحب المنار توجه و توسل به اولیاء الهی را در ردیف اعمال شرک‌آلود مشرکان زمان بعثت پیامبر ﷺ دانسته و به صراحت این عمل را عبادت اولیاء و شرک به خدای متعال می‌داند، هرچند که ممکن است این عمل از روی نادانی و جهل انجام شود. و در جای دیگر با یکی خواندن افعال و اعمال جاهلانه اقوام پیامبران گذشته مسلمانان می‌گوید:

---

۱. «من يتوجه بعبادة الى غير الله تعالى على انه وسيلة اليه و مقرب الله و شفيع عنده، او... فتوجهه هذا اليه عبادة». (المنار، ج ۳، ص ۳۴۷)

«... و شاید اهل کتاب و اقوام پیامبران پیشین از روی نادانی (دست به چنین اعمال شرک آمیزی می زدند) مانند نادانی بسیاری از مسلمانان که حقیقت معنای عبادت را نمی دانند و گمان می کنند که احترام و تعظیم تصاویر و... توسل و شفاعت خواهی نسبت به انبیاء و اولیاء و صالحین، عبادت محسوب نمی شود... و البته مشرکان عرب زمان بعثت پیامبر اسلام ﷺ جاهل نبوده اند و می دانستند که توجه آنها به بتها عبادت تلقی می شود، زیرا که زبانشان زبان قرآن بود؛ و لذا با صراحت می گفتند: که ما بتها را عبادت می کنیم و آنها را بنام (آلهة) می نامیدند و کلمه «اله» به معنای معبود است، اگرچه به معنای ربّ و پروردگار و خالق نیست. هم چنان که خداوند از زبان شان خبر می دهد که (می گفتند اینان شفیعان ما نزد خدایند) و آنها را «اولیاء» خود می خواندند هم چنان که خداوند می فرماید: آنان که غیر او (خدا) دیگری را معبود خود قرار دادند، که بدین منظور اینها می پرستیم که ما را به خداوند نزدیک کنند. و روشن است که اهل کتاب و به تبع آنها مسلمانان نیز همان کارها را انجام می دهند و اسم آن را توسل می گذارند و سپس عبادت اولیاء را منکر می شوند درحالی که نام را عوض کردن و تغییر دادن، حقیقت را دگرگون نمی کند.» (همان، ج ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷)

و در جای دیگر درباره مشرک بودن اعمال اهل کتاب می گوید:

«کلمة انداد جمع ند است منظور از انداد آنهايي است که اهل کتاب آنان را در کنار خداوند، قرار می دادند و نسبت به آنها خضوع و احترام می کردند و یا حاجات خودشان را از آنها طلب می کردند، که این چنین خضوعی و اعلان نیازی در نزد عرب عبادت شمرده می شود... که البته آنها از به کارگیری لفظ عبادت خودداری کرده و به جای آن از لفظ تعظیم یا توسل استفاده کردند که این عمل یکنوع تأویل نمودن ظاهر تنزیل و قرآن است. و اما اهل کتاب کسانی هستند که علماء و بزرگان خودشان را انداد و ارباب اتخاذ می کردند و در عین حال این اتخاذ را عبادت نمی نامیدند و به گونه ای تأویل می کردند و هم چنین آنان علماء و اهباری را که تعظیم می کردند را به عنوان خدایان (آلهة) و انداد و ارباباً نام گذاری نمی کردند در حالی که عملاً آنان را به عنوان آلهة و انداد ارباب اتخاذ می کردند ولی در تسمیه و نام گذاری انکار می کردند و به جای آن از الفاظ دیگری استفاده

می کردند تنها فرق در فعل و بیان بود و حقیقت هر دو یکی بود. « (همان، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ ج ۲، ص ۶۶-۶۷)

ایشان در جای دیگر می گوید: توسل چیزی جز شرک در عبادت نیست؛... کما فی البخاری عن ابن عباس... بینی المفعولون شبهاتهم علی جمیع انواع العباده الی عبدوا بها غیر الله تعالی کالتوسل به و دعائه و طلب الشفاعة منه و... و ما اشرك فی العباده الا هذا... (همان، ج ۸، ص ۲۰)

### توسل به اولیاء، تویی ولایت شیطان!

قرآن همواره مردم را دعوت به توحید می کند و این که جز خدا هیچ موجود دیگری اهلیت و شایستگی عبادت را ندارد و غیر از خدای متعال معبود دیگری وجود ندارد، و لذا آیات قرآن ولایت به معنای سرپرستی و عبودیت را فقط در انحصار خداوند می داند؛ قرآن نقطه مقابل ولایت خدا بر مؤمنین را، ولایت شیطان و طاغوت (نسبت به کافران) می داند، از این رو به نظر صاحب المنار هرگونه توجه و توسل نسبت به اولیاء و دخالت دادن آنان نسبت به امور بندگان، عبادت آنان تلقی می شود و فرد را از مسیر توحید و ولایت خداوند خارج و وارد جرگه ولایت شیطان و طاغوت می نماید. و لذا می گوید:

«در مقابل ولایت خداوند نسبت به مؤمنین، ولایت شیطان و طاغوت نسبت به کافران قرار دارد و... تنها «ولی»، خدای متعال است و فقط اوست که متولی امور بندگان است و لا غیر. و اما ولایت مؤمنین نسبت به یکدیگر (که در آیات قرآن بدان اشاره گردیده) معنای دیگری دارد؛ و آن به معنای تعاون و همکاری و نصرت به یکدیگر در کارهای مشترک زندگی است تا در انجام اعمال پسندیده و صالح موفق باشند و... ولایت مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، معنایی غیر از کمک و نصرت و یاری به یکدیگر ندارد... بنابراین هرکس که از این معنا تعدی و تجاوز کند و کسی را به عنوان ولی یا اولیاء خود برگزیند؛ با اعتقاد به این که آنان عهده دار برخی از کارهای مردم اند (جدای از معنای همکاری و یاری کردن) شرک ورزیده، زیرا از ولایت خدا خارج شده و به ولایت شیطان و طاغوت درآمده است. و روشن است که هیچ کس در کار خدا، شرک ندارد؛ نه با واسطه و نه به طور مستقل و جدای از استقلال خدای متعال.» (همان، ج ۳، ص ۴۳-۴۴)

و در ادامه می گوید:

«و این معنی، توجه کردن و توگی ولایت برخی اولیاء (توسل) عین توگی ولایت کافران نسبت به شیطان و طاغوت است هم چنان که خداوند می فرماید: آنان که غیر از او، دیگری را معبود خود گرفتند که بدین منظور اینها را می پرستیم تا ما را به خداوند نزدیک کنند... مشرک اند... و هر کس اعتقاد داشته باشد که چنین ولایتی (عهده داری امور مردم) برای عیسی علیه السلام و برخی از نیکان و صالحان ثابت است. در حقیقت از شیاطین انس و جن تبعیت کرده نه آن اولیاء و صالحان... بنابراین بر شما ای (برادر) مؤمن لازم است که از هدایت گری قرآن بهره مند شوی و از توجیهاات و تأویلات دوستان شیطان بر حذر باشی و فریب نخوری.» (همان، ص ۴۵)

### تنافی توسل با توحید ناب!

صاحب المنار، با بیان این که دین اسلام با هدف تزکیه نفوس و پاک نمودن قلوب و آماده کردن روح و روان آدمیان برای رسیدن به درجات متعالی در آخرت بهشت تشریح گردیده است، اظهار می دارد که این هدف، با اخلاص در اعمال و پرهیز و دوری از هر گونه شرک و ریا، قابل وصول است و این همان توحید خالص و نابی است که فقط سلوک موحدان مخلص می باشد و لذا می گوید:

«... بنابراین فقط اینان، اهل توحید ناب و خالص اند که آن را با اتخاذ اولیاء و توسل به وسائط و اخذ به شفیعان آلوده نمی کنند. اینان اهل اخلاص در اعمال اند که هرگز در رفتار عملی آن شرک و ریا دیده نمی شود و این ویژگی همان روح اسلام و مقصود از ایمان و دینداری است.» (همان، ص ۳۳۰)

و خداوند ولی و سرپرست چنین انسان هایی است و در ادامه می گوید:

«خداوند ولی و سرپرست کسانی است که در رسیدن به منافع و برطرف کردن مشکلات در رسیدن به منافع و برطرف کردن مشکلات به غیر از او توجهی ندارند، چرا که در این صورت فقط خداست ولی امور آنهاست و کارهایشان را اصلاح می کند... بنابراین ما از خداوند درخواست می کنیم که ما را در زمره آنان در دنیا و آخرت قرار دهد

و ما از اهل جمود و انسان‌های ظاهر بین و مقلدی که با اتخاذ اولیاء و أمراء، از روح اسلام غافل شده و در گمراهند محض‌اند، قرار ندهد.» (همان)

و در جای دیگر می‌گوید:

«کسی که بین خود و خدای متعال واسطه‌ای در عبادت بگیرد مثل خواندن، پس او همان واسطه را عبادت کرده است نه خدا را، زیرا اتخاذ چنین وسائلی به اخلاص در عبادت آسیب می‌رساند.» (همان، ص ۳۴۷)

### توسل از دیدگاه علامه طباطبائی

بدون تردید، خداوند، مبدأ نخستین هر سبب و هر تأثیر، در این عالم و در عالم آخرت، است، و تأثیر هر مؤثر یا مسبب هر سببی، بالاخره به او منتهی می‌شود و او مالک علی‌الاطلاق خلق و ایجاد و فیوضات است و همه علل و اسباب، اموری هستند که واسطه میان او و غیر اویند و همه وسیله انتشار رحمت بی‌انتهای اویند. پس از نظر تکوین، در سببیت خدا جای هیچ حرف و سخنی نیست و او مسبب‌الاسباب است.

و از طرف دیگر، خدای متعال به بندگان تفضل کرده و در عین بلندی مرتبه‌اش، خود را به ما نزدیک ساخته و دین را برای بشر تشریح نموده و در آن دین احکامی از اوامر و نواهی و غیره وضع کرده و تبعات و عقوبت‌هایی در آخرت برای نافرمانان معین نموده و انبیاء رسولانی، برای بشر فرستاده که آنها هم با بشارت‌ها و اندازهای خود، دین خدا را به بهترین وجه تبلیغ نموده‌اند و حجّت بدین وسیله بر همگان تمام گردیده است چنانچه فرمود:

﴿وَمَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ﴾. «کلمه پروردگار در راستی و

عدالت تمام شد و کسی نیست که کلمات او را مبدل سازد.» (انعام: ۱۱۵)

حکمت خداوند چنان مقرر گردیده که همواره حکم و فرمان او، به نفع بندگان ویژه و رسولان مخلص او بوده و آنان همواره از نصرت و یاری حق برخوردارند. و بدین سبب از مقام و منزلتی بس عظیم و والا برخوردارند. و همین جایگاه بلند و رفیع آنان سبب شده که دیگران به آنان متوسل شوند و آنان را وسیله تقرب به سوی حق قرار دهند و مردم با ایمان به اقتضای آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: ۳۵) به

انبیاء و اولیاء و رسولان الهی متوسل می‌شوند. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

### معنای وسیله و توسل

علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان، در ذیل آیه کریمه ۳۵ از سوره مائده با نقل سخن راغب اصفهانی در خصوص توسل می‌گوید:

«وسیله به معنای رساندن خود به چیزی با رغبت و میل می‌باشد، برخلاف وصیله که فقط به معنای رساندن خود به چیزی است، اما این که با رغبت باشد یا بدون رغبت، این کلمه (وصیله) بر آن دلالت ندارد.»

و سخن خدای متعال که در قرآن می‌فرماید: ﴿وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ حقیقت وسیله به درگاه خدا، مراعات راه خداست که به چند طریق انجام می‌شود: ۱. این که به احکام خداوند علم پیدا کنی؛ ۲. به بندگی او پردازی و از بندگی حق خارج نگردی؛ ۳. در جست‌وجوی مکارم و عمل به مستحبات شریعت باشی... و این کلمه (وسیله) معنایی نظیر معنای کلمه «قربت» را دارد. (عبدالباقی، ماده وسل)

شایان ذکر است که صاحب المنار نیز تا این‌جا کلام راغب اصفهانی را در تفسیر المنار نقل کرده است، (رشید رضا، ج ۶، ص ۲۷۰) ولی علامه طباطبائی تحلیلی در معنای راغب اصفهانی راجع به کلمه وسیله دارند که در بیان صاحب المنار وجود ندارد که در ادامه بحث می‌آید.

### نسبت توسل با توصل و ارزیابی دیدگاه راغب اصفهانی

از آن‌جایی که وسیله نوعی توصل است و توصل درباره‌ی خداوند که منزله از هر گونه جسمانیت است، به معنای توصل معنوی یعنی پیدا کردن رابطه‌ی معنوی است که بین بنده و پروردگار اتصال برقرار کند و چون که بین بنده و پروردگار، هیچ رابطه‌ای به جز بندگی و ذلت و عبودیت نیست، قهراً «وسیله» عبارتست از این که انسان حقیقت عبودیت را در خود تحقیق بخشد و به درگاه خدای متعال و جهة فقر و مسکنت به خود گیرد. اما علم و عمل (را) که راغب اصفهانی، کلمه وسیله را به آن معنی گرفته از لوازم و از ادوات معنای وسیله و رساندن خود به حقیقت عبودیت است، و این بسیار واضح و روشن است مگر این که راغب

خواسته باشد علم و عمل را بر خود این حالت اطلاق کند. (طباطبایی، ج ۵، ص ۳۲۸)

### اطاعت امام روشن‌ترین مصداق وسیله

علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه ۳۵ از سوره مائده بحث روائی خود به نقل از تفسیر قمی درباره مصداق و معنای وسیله می‌فرماید: که امام علیه السلام درباره آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا إليه الوسيلة» فرموده یعنی به وسیله امام به درگاه او تقرّب بجوئید. (القمی، ج ۱، ص ۱۶۸)

صاحب تفسیر المیزان در ادامه می‌گوید: معنای این روایت این است که به وسیله امام به درگاه خداوند تقرّب بجوئید و این روایت از باب تطبیق کلی بر مصداق است و می‌خواهد بفرماید، یکی از روشن‌ترین مصداق‌ها وسیله، اطاعت امام است، نه این که اطاعت امام وسیله منحصر به فرد باشد، و نظیر این روایت، روایتی است که از ابن شهر آشوب نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «وابتغوا إليه الوسيلة» فرمود: منم وسیله خدا تعالی. (ابن مردویه، ج ۳، ص ۷۵) و در ادامه صاحب تفسیر گرانسنگ المیزان، با نقل روایاتی درباره معنای وسیله و تطبیق آیه شریفه مذکور به آن روایت می‌گوید:

«وسیله عبارتست از مقامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد پروردگارش دارد و آن جناب به وسیله آن مقام، می‌تواند به درگاه خدای تعالی تقرّب جوید، و آل طاهرین آن حضرت علیهم السلام و بعد از آنان صالحان از امتش به آن جناب ملحق می‌شوند. هم‌چنان که در بعضی از روایات صادره از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست به دامن پروردگارش می‌زند و ما دست به دامن او می‌زنیم و شما (شیعیان ما) دست به دامن ما می‌زنید.» (طباطبایی، ج ۵، ص ۳۳۴)

صاحب المنار نیز با استناد به حدیث جابر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به نقل از احمد بن حنبل و بخاری و... وسیله را به مقامی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بهشت اشاره می‌کند و سپس می‌گوید این چنین روایاتی مؤید قول اهل لغت است که می‌گفتند یکی از معنای وسیله، منزلت و مقامی نزد ملک و پادشاه است. (رشید رضا، ج ۶، ص ۲۷۰) لکن صاحب المنار از بیان روایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل طاهرینش را به‌عنوان وسیله معرفی می‌کند، خودداری



می‌نماید، در حالی که در مجامع روایتی اهل سنت چنین روایاتی وجود دارد. که در نقد و بررسی به اجمال بدان خواهیم پرداخت.

### پاسخ به شبهه شرک در توسل<sup>۱</sup>

علامه طباطبائی، بعد از تبیین رویکرد جامع و منحصر به فرد اسلام به مسئله توحید و مبارزه جدی آن با شرک و دوگانه پرستی به شبهه‌ای که در برخی تفاسیر اهل سنت، هم چون المنار (رشید رضا، ج ۱۱، ص ۷؛ ج ۱، ص ۱۸۸ - ۱۸۹؛ ج ۲، ص ۶۶ - ۶۷؛ ج ۳، ص ۳۳۰) وجود دارد اشاره می‌کند و پاسخ می‌دهد. ایشان می‌فرماید:

«چه بسا اشخاص چنین بپندارند این که در ادعیه، رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام شفیع قرار داده شده‌اند و به حق آنان از خدای تعالی درخواست شده و هم چنین زیارت قبور آن حضرات و... از مصادیق شرکی است که در شرع انور از آن نهی گردیده و همان شرک و دوگانه پرستی است... و چه فرقی است در پرستش غیر خدا، بین این که آن غیر، پیامبر می‌باشد یا ولی از اولیاء خدا و یا جباری از جباران و یا غیر ایشان، همه این توسل‌ها شرکی است که در شرع از آن نهی شده است!»

سپس علامه طباطبائی در پاسخ می‌فرماید؛ این اشخاص از چند نکته اساسی غفلت کرده‌اند: «اولاً؛ این که ثبوت تأثیری برای غیر خدا اعم از تأثیر مادی یا معنوی قطعی است و نمی‌توان آن را انکار کرد. خدای متعال در کلام مجیدش، تأثیر را با همه انواع به غیر خدا نسبت داده و غیر این معنی ندارد، چرا که انکار مطلق تأثیر، ابطال قانون علیت و معلولیت عمومی، که خود رکن اصلی همه ادله توحید است را به دنبال خواهد داشت، و ابطال قانون علیت هدم و نابودی بنیان توحید است. بله، آن تأثیری که خداوند در قرآن از غیر خدا نفی کرده تأثیر استقلالی است که هیچ موحدی در آن سخنی ندارد. و نفی هر گونه تأثیری در این عالم، انکار بدیهیات عقلی است و موجب خروج از فطرت انسانی می‌گردد.» (رشید رضا، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

۱. گرچه این شبهه عام در میزان است و شامل شفاعت، توسل، زیارت قبور، و دعا غیر خدا و... می‌شود ولی به جهت نزدیک بودن آنها با هم، علامه طباطبائی همه را یکجا طرح کرد و پاسخ می‌دهد.

بنابراین، کسانی که در خواسته‌هایشان، خدای تعالی را به جای آن حضرات و به حق آنان سوگند می‌دهند، دلیل دارند و آن کلام خود خدای تعالی است که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ (صافات: ۱۷۱-۱۷۳)

فرمان ما به سود بندگان مرسل ما از ازل چنین بوده که تنها آنان یاری می‌شوند و این که تنها لشکر ما غالبند.  
و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾؛ (مؤمن: ۵۱)

ما به طور حتم، رسولان خود و آنهایی که به آنان ایمان آورده‌اند یاری می‌کنیم و... پس کسی که به آنان متوسل می‌شود، هدفش این است که وسیله‌ای به درگاه خدا برده باشد. و به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مانده: ۳۹) عمل کرده باشد. بنابراین خود خدای تعالی، ابتقاء وسیله را به آن حضرات تشریح کرده و دوست داشتن آنان و تعظیم آنان را واجب فرموده که همین دوستی و تعظیم را وسائلی به درگاه خود قرار داده است و معنی ندارد خداوند محبت به چیزی و تعظیم آن را واجب کند و در عین حال آثار آن را تحریم نماید. (المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

«و ثانیاً آنان از فرق بین شرک و توسل و تقرّب به شفیعان غفلت ورزیده‌اند، و نتوانسته فرق بگذارند بین کسی که غیر خدا را پرستد تا او را نزد خدا شفاعت کند یا به خدا نزدیکش کند و بین کسی که تنها خداوند را پرستش کند و غیر خدا را واسطه درگاه او قرار دهد و یا با دوستی کردن با ولی خدا به درگاه خدا تقرّب جوید. که در فرض اول: شخص، به غیر خدا استقلال در تأثیر داده و عبادت را خالص برای غیر خدا کرده که این خود شرک در عبادت و عبودیت است. و در صورت دوم، استقلال را فقط و فقط به خدای تعالی داده و او را مخصوص به عبادت کرده و احدی را در عبادت شریک او قرار نداده است.» (همان، ص ۲۹۵-۲۹۶)

علامه طباطبائی در ادامه به مذمت خدای متعال نسبت به عملکرد مشرکان می‌پردازد

(و با فرق گذاشتن بین عمل مشرکان با عمل شیعیان در توسل به انبیاء و اولیاء) می‌فرماید:

«و اگر خدای متعال، مشرکین را مذمت فرمود: برای این است که آنها می‌گفتند: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ (زمر: ۳) یعنی ما غیر خدا را می‌پرستیم تا آنها ما را به خدای تعالی نزدیک کنند، که این گفتارشان ظاهر در این است که به غیر خدا استقلال داده‌اند و در عبادت تنها همان غیر خدا را در نظر می‌گرفتند نه خدای تعالی را، و اگر گفته بودند، ما تنها خدا را می‌پرستیم، و در عین حال از ملائکه و یا رسولان و اولیای خدا امید داریم که با اذن خدا، نظری به ما داشته باشند، هرگز مشرک نبودند، بلکه شرکای آنان همان جنبه را می‌داشت که کعبه در اسلام دارد.» (المیزان، ج ۱۰، ص ۲۹۶)

### مقایسه دیدگاه صاحب المنار و المیزان درباره توسل

صاحب المنار در مجلدات مختلف المنار، به اندک مناسبتی، به این بحث پرداخته و آن را عملی شرک آمیز و جاهلان دانسته (تفسیر المنار، ج ۱۱، ص ۷؛ ج ۸، ص ۱۴۸) و در مواردی همگان را دعوت به هدایت‌پذیری از رهنمودهای قرآن نموده است. (المنار، ج ۳، ص ۴۵)

ایشان هم چنین در مجلد ششم تفسیر المنار، با بیان معانی مختلف توسل نسبت به پیامبر ﷺ و مستندات روایی آن، به دیدگاه مسلمانان (شیعیان) نسبت به توسل می‌تازد (همان، ج ۶، ص ۳۷۱ - ۳۷۲) و سپس در تفسیر المنار توسل را به دو قسم بدعی و شرعی، تقسیم می‌کند، و با تعریفی که نسبت به توسل شرعی ارائه می‌نماید. حکم به شرک آمیز بودن عمل مسلمانان (شیعیان) می‌نماید و آن را از مصادیق توسل بدعی قلمداد می‌کند. (رشید رضا، ج ۱۱، ص ۷)

ولی علامه طباطبائی در المیزان چندان جدی وارد این گونه بحث‌ها نمی‌شود، هر چند نسبت به مشروع بودن عمل شیعیان توسل به امامان و اولیاء الهی، تأکید می‌ورزد و این عمل را نه تنها مشروع که یکی از مصادیق بارز تمسک به آیه شریفه ﴿و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ می‌داند و به نفی دیدگاه مخالف می‌پردازد. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۹۶)

صاحب المنار با حکم به یکی خواندن عمل مسلمانان (شیعیان) در توسل به ائمه اولیاء و مشرکان اهل کتاب و کافران به شدت نسبت به رفتار مسلمانان می‌خروشد و آن را عملی شرک آمیز و کفر آلود و رفتاری جاهلانه می‌داند. (رشید رضا، ج ۱۱، ص ۷؛ ج ۸، ص ۱۴۶-۱۴۷) و

در مقابل علامه طباطبائی، تصریح می‌نماید، که هرگونه نسبت شرک دادن به مسلمانان (شیعیان) در توسل به اولیاء و صالحین، ناشی از غفلت در معنای توسل، شفاعت، و تعظیم قبور امامان و... است و حقیقتاً بین عمل مشرکان و وثنی‌ها و مسلمانان تفاوت جدی و اساسی وجود دارد. (طباطبائی، ج ۱۰، ص ۲۹۶)

صاحب تفسیر المنار، لازمه توسل به اولیاء و انبیاء را پذیرش و توکی ولایت شیطان که در مقابل ولایت «الله» قرار دارد می‌داند، (رشید رضا، ج ۳، ص ۴۳-۴۴) لکن علامه طباطبائی، با ردّ چنین نگرشی، رفتار مسلمانان در مسئله شفاعت و توجه و توسل به اولیاء خدا، توکی ولایت رسول خدا و امام (طباطبائی، ج ۵، ص ۳۳۳) را در راستای ولایت خدا و هماهنگی با نظام تکوین و تشریح و در راستای اصل اساسی توحید می‌داند. (همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ ج ۱۱، ص ۱۸۱)

صاحب تفسیر المنار، با ممنوع دانستن عبادت غیرخدا، عمل مسلمانان در توسل به اولیاء و صالحین و وسائط را عبادت آنان تلقی می‌نماید و تصریح می‌کند که مسلمانان با انجام چنین اعمالی قطعاً، با توحید خالص و روح اسلام فاصله گرفته و در مسیر گمراهی گام برمی‌دارند. چرا که در نظر ایشان هرگونه توجه و توسل نسبت به اولیاء و واسطه‌ها، شرک محسوب می‌شود و هرگز نباید بین افراد و خدای متعال واسطه‌ای قرار داده شود. (رشید رضا، ج ۳، ص ۳۳۰ و ۳۴۷)

در مقابل از دیدگاه صاحب تفسیر المیزان، توسل به امامان و اولیاء هرگز عبادت آنان تلقی نمی‌شود و مسلمانان هرگونه عبادت غیرخدا را جایز نمی‌دانند و این چنین رفتاری (توسل به اولیاء) نه تنها شرک در عبودیت و عبادت تلقی نمی‌شود که تمسک به بهترین وسیله محسوب می‌شود به برترین انسان‌هایی که مورد عنایت و ویژه خدایند و همواره در مسیر هدایت حق قرار دارند و هادی و وسیله هدایت دیگران می‌شوند. (طباطبائی، ج ۱۰، ص ۲۹۵)

### نتیجه‌گیری

با نگاهی دقیق و جامع نسبت به جهان هستی به دست می‌آید؛ توسل از مهم‌ترین قوانین نظام حکیمانه هستی و آفرینش است که همه عقلای عالم در زندگی خود، بر عقلانیت و مشروعیت آن، ادغان دارند.

به مقتضای نظام موجود در این جهان، همه انسان‌ها برای نیل به کمالات و اهداف

متعالی خویش، به غیر خود محتاج‌اند و البته این نیاز و وابستگی در سایر موجودات نیز جریان دارد. خداوند حکیم، در آیات بسیاری از قرآن، باورمندان به نظام متقن و تغییرناپذیر الهی را، دعوت به امر توسل می‌کند، که برای تأثیرپذیری و کسب فیض و الطاف الهی به وسایل و اسبابی تمسک کنند که خالق جهان هستی، آنها را آفریده و قدرت تأثیر را به ایشان بخشیده است. هر یک از اجزای مختلف نظام آفرینش، با قدرتی که خداوند به آنها داده است، تحت فرمان او، به انجام کاری مشغول‌اند و در گردش این سهمی دارند و البته، تنها ذات یگانه خداست که مؤثر اصلی و حقیقی است.<sup>۱</sup> همه موجودات برای رسیدن به کمالات نوعی خود دست نیاز به سوی موجودات دیگر دراز کرده و از یک‌دیگر تأثیر می‌پذیرند. و اصولاً به‌دست آوردن هر مطلوبی، در گرو اتخاذ وسیله و وابستگی به غیر است، و این همان قانون توسل است که به‌عنوان یک واقعیت تکوینی، در نظام هستی حاکم است و هیچ‌کس نسبت به جریان حتمی این سنت در نظام حکیمانه الهی تردید ندارد. و بر همین اساس خداوند حکیم و رحیم که قرآن را بر اساس فطرت انسان‌ها نازل فرموده، مؤمنین و معتقدین به نظام متقن آفرینش را، برای رسیدن به فلاح و رستگاری، به پیمودن براساس این سنت ارشاد نموده است.

---

۱. لا مؤثر فی الوجود الا الله؛ در عالم وجود هیچ مؤثر مستقلی غیر از خداوند نیست.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم - نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، طع، ۱۴۰۷.
۴. آلوسی، شهاب الدین محمود البغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۶. ابن تیمیه، تقی الدین، احمد بن عبدالحلیم، قاعدة جلیله فی التوسل و الوسیلهف تحقیق: ربع بن هادی عمیر مدخلی، دمنهور، مکتبه ليله، ۱۴۱۲.
۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم ۱۴۰۴.
۸. ابن مردویه، أحمد بن موسی، مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی، جمع و ترتیب: عبدالرزاق محمدحسین حرز الدین، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، مرکز نشر اسراء، اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۱. الخالدي، صلاح عبدالفتاح، تفسیر ابن کثیر، دارالفاروق، عمان، الاردن.
۱۲. الراغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: عدنان داوودی، الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۶.
۱۳. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن العظیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴.
۱۴. سمهودی، نورالدین علی بن احمد مصری، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴.
۱۵. صائب، عبدالحمید ابن تیمیه، حیاتة، عقائده و موقفه عند الشیعه و اهل البيت (علیهم السلام)، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۴.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۲.
۱۷. الطبرسی، امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶.
۱۸. عبدالباقی، محمد فؤاد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالکتب المصریه، انتشارات اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۳۶۴.

۱۹. الفيومی، احمد بن محمد بن علی المقری، المصباح المنیر، مؤسسه دارالهجره، الطبعة الاولى، ۱۴۰۵.
۲۰. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۲۱. القنوجی البخاری، ابی طیب صدیق بن حسن بن علی الحسین، فتح البیان فی مقاصد القرآن، المكتبة العصرية، صیدا، لبنان، بی تا.
۲۲. الكلینی ارازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
۲۳. معلوف، لوئیس، المنجد، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه مدرسه امیرالمؤمنین، قم، چاپ هفتم، ۱۳۷۰.

Archive of SID